



# تعزیه، هنری دینی و ملی سیر تحول، نقش و کارکرد آن گفت و گو با استاد صادق همایونی

## مقدمه:

اگر چنین است شما آن را چگونه تعریف می‌کنید؟  
تعزیه از نظر لغوی به طوری که در فرهنگ‌ها آمده است به معنی عزاداری کردن است. لغات تعزیت، سوگواری و تعزه نیز همین معنی را افاده می‌کنند ولی در اصطلاح و به طور کلی برپا کردن مجلس عزاداری برای امام حسین(ع) و به نمایش گذاشتن حوادثی که در کربلا رخ داده است را تعزیه‌خوانی می‌گویند. شبیه‌خوانی نیز نام دیگر تعزیه‌خوانی است. البته این را هم باید یادآوری کنم که تعزیه‌خوانی اصطلاحی فقط در بردارنده‌ی نمایش حوادث خونبار و غم‌انگیز و تکان‌دهنده‌ی صحرای کربلا نیست بلکه این امر در اثرگذاشت زمان آن چنان گسترش یافته است که علاوه بر مصائب کربلا، مصائب وارد بر سایر ائمه و حتی خاندان اهل بیت حضرت محمد(ص) و حضرت علی(ع) را دربر می‌گیرد. گاه شامل حوادث تاریخی و قصه‌ها و حکایات مذهبی نظیر یوسف و زلیخا یا حضرت اسماعیل و حضرت ابراهیم شده و گاه کلیتی می‌یابد که در قالب تعزیه‌های شاد و حوادث جالبی که در بردارنده سبک‌سری و بدی و شکست مخالفان دین و پیامبر و اسلام و ائمه می‌شود، قرار می‌گیرد. گاه

ایرانیان پس از گرویدن به اسلام و آن گاه که رخداد غمبار و خونین کربلا به وقوع پیوست، یاد و خاطره فداکاری‌ها، دلآوری‌ها، ایثارگری‌ها و اسلام‌خواهی‌های سالار شهیدان و یاران گرامیش را به ناخودآگاه تاریخی خویش سپردند و نمایش‌های آیینی در سوگ این بزرگمردان برگزار کردند.  
تعزیه به شکل و نمود امروزی آن، پس از اسلام رخ نمود و تحول چشمگیری یافت و با نموده‌های دیگر هنری مانند شعر، موسیقی به همکنشی ویژه‌ای رسید.  
صادق همایونی، پژوهشگر فرهنگ مردم و تعزیه‌شناس ایرانی است که تاکنون در این زمینه و زمینه‌های مشابه به چاپ کتاب‌های «تعزیه در ایران»، «شیراز، خاستگاه تعزیه»، «تعزیه و تعزیه‌خوانی»، گفتارها و گفت‌وگوهایی درباره‌ی تعزیه و.. و هم‌چنین مقالات متعدد پرداخته است. این موضوع بهانه‌ای شد تا با وی به گفت‌وگو بنشینیم.  
به عنوان نخستین پرسش آیا تعزیه تعریف مشخصی دارد و

در بعضی از تعزیه‌ها حوادث اسطوره‌ای رخ می‌دهند و تعزیه‌هایی نیز وجود دارند که شامل اسطوره‌اند، ولی به طور کلی تعزیه‌های شاد دربردارنده‌ی تمسخر معاندین، حقارت آنان، شکست و گرفتاری و زبونی آنان است و در حقیقت جنبه‌ی دیگری از تعزیه را ارائه می‌دهند.

**به نظر شما می‌توان تعزیه را تحول یافته‌ی نمایش‌های آیینی**

**دانست؟**

تعزیه با جریان و سیر تکاملی خاصی که دارد نمی‌تواند استمرار و مداومت نمایش‌های مذهبی یا تاریخی پیش از اسلام تلقی شود. زیرا پدیده‌ای است که بر مبنای حوادث واقعی تاریخ رخ داده و در طی روزگاری دراز تطور و تکامل یافته است. از طرف دیگر تاریخ و اسطوره‌شناسی ایران زمین نیز از سوگواری‌های بسیار غم‌انگیز بعضی از قهرمانان محبوب تاریخی آن روزگاران مضامین و موضوعاتی را دربر دارد که استمرار آنها در بین ایرانیان قابل نفی و انکار نیست. نظیر «سوگ سیاوش» که در تاریخ بخارای ابوبکر محمدبن النرشخی به آن اشاره شده است. این کتاب که در سال ۳۳۳ هـ. ق تألیف شده اصل آن به زبان عربی است و ابونصر قبادی آن را به پارسی برگردانده ریشه‌ی ماجرا را به حدود سه هزار سال پیش می‌کشاند. مردم بخارا این ماجرا را سخت گرمی داشته و با اصرار فراوان برگزار می‌کردند. نظامی نیز هنگام برشمردن سرودهای دربار خسرو پرویز از آن یاد می‌کند و مراسمی هم به نام «کین ایرج» که دربردارنده‌ی سرگذشت غم‌انگیز ایرج پادشاه ایران زمین است و کشته شدن او به دست سلم و تور که در این مورد نظامی اشارتی دارد:

چو کردی کین ایرج را سرآغاز

جهان را کین ایرج نوشدی باز

هم‌چنین از نمایش‌هایی شاد چون «مرگ گئوماتای» مغ، نشان

دادن پیروزی سورنا سپهسالار ایرانی در جنگ کراسوس، نمایش‌هایی نظیر میرنوروزی یا کوسه برنشین یا جشن سده که به روایتی آن را یادگار شکست و گرفتاری ضحاک می‌دانند، داستان فرود در شاهنامه و نیز یادگار زریران که به ویژه شباهتی عجیب دارد با رشادت برادر جوانمرد امام حسین(ع)، حضرت عباس در دشت کربلا، سخن به میان آمده است. البته نمونه‌های این حوادث و قضایا در بین سایر اقوام و ملل به صورت‌ها و خیرمایه‌های دیگر کم و بیش مشاهده می‌شوند که خود می‌تواند زمینه‌ی تحقیقاتی بسیار جالبی در مقایسه‌ی اسطوره‌ها از حیث ویژگی‌های تاریخی و جغرافیایی و ملی و حتی نژادی باشد.

**برخی از ایران‌شناسان، اسطوره‌شناسان و فرهنگ‌پژوهان تعزیه را تحول یافته همان نمایش‌های آیینی دانسته و بن‌مایه‌های اسطوره‌ای را در آن بازشناسی می‌کنند و از این نکته‌ی مهم نیز غافل نیستند که «تعزیه» پس از اسلام آوردن ایرانیان و رخداد خونبار کربلا نزد ایرانیان جنبه‌های اسلامی یافت و در سوگ سالار شهیدان و یاران وی برگزار می‌شد. درباره‌ی تکامل و سیر تعزیه در ایران پس از اسلام توضیح بفرمایید؟**

متأسفانه به این موضوع یعنی تعزیه از طرف مورخان و نویسندگان و تذکره‌نویسان توجهی نشده است و همین نقص، تحقیق و بررسی نسبت به این موضوع را دشوار می‌کند. من در زمانی که می‌خواستم کتاب تعزیه و تعزیه‌خوانی را که اولین کتاب در موضوع تعزیه است بنویسم برای دریافت نحوه‌ی ایجاد و سیر تکامل و تحول آن به سفرنامه‌های خارجی‌ان متوسل شدم. زیرا سفرنامه‌ها در طی روزگار دراز و با توجه به تاریخ نگارش آنها و این که عذارای‌های ماه محرم برای آنانی که بیگانه بوده‌اند، سخت جالب بوده، می‌توانستند نحوه‌ی عذارای‌ها را نشان دهند. با توجه به تاریخ سفر جهانگردان به وضوح می‌شد نحوه‌ی عذارای‌ها را





اما زنده است امام  
پا در رکاب و سوار به اسب  
او کشته نمی‌شود...

عبدالجلیل رازی در کتاب «النقض» که در سال ۵۶۰ هـ. ق نوشته شده اسامی بسیاری از وعاظ را در این زمینه ارائه می‌دهد و شرح سوگواری‌های آن زمان را بیان می‌کند. نخستین کتاب کاملی که موجد عزاداری و روضه‌خوانی است «روضه الشهداء» است که در قرن نهم هجری توسط ملاحسین واعظ کاشفی نوشته شده است.

این کتاب که واقعه‌ی کربلا را به صورت شعر و نثر آورده به اندازه‌ای مورد توجه قرار گرفت که در مجالس با صدای بلند خوانده می‌شد و مردم با شنیدن آن می‌گریستند. اما با گذشت زمان خواندن آن با دگرگونی‌هایی از حیث نحوه‌ی خواندن شعر و متن دگرگونی می‌یابد و از همان جاست که اصطلاح روضه‌خوانی پدیدار و روضه‌خوانان با به کارگیری هنر آواز آن را دلچسب‌تر و مطلوب‌تر می‌خوانند. همین امر سرآغاز پیدایش عزاداری‌های مفصل و سینه‌زدن‌ها و انجام مراسم گوناگون و ذوق جمعی از نظر مراسم دهه‌ی محرم و ایجاد صحنه‌های بسیار پرشکوه عزاداری و دسته‌گردانی شد. حرکت دستجات با علم و کُتل، خواندن نوحه، استفاده از اسب و شتر و طبل و کرنا و ساختن حجله‌های قاسم بر رونق سینه‌زنی افزود، چلچراغ‌ها روشن و اسب‌ها و اشتران با استفاده از پارچه‌ها و ابزار و وسایل به صحنه‌ی عزاداری‌ها کشانده شدند. حمایت بی‌دریغ صفویه نیز در گسترش این نوع سینه‌زنی‌ها و دسته‌گردانی‌ها فوق‌العاده مؤثر بود چه این امر هم جنبه‌ی دینی و مذهبی داشت و هم تا حدی جنبه‌ی سیاسی در برابر عثمانیان.

از این به بعد در سفرنامه‌های کسانی نظیر شاردن که در سال ۱۶۶۷ میلادی به ایران آمد، تاورنیه و سرهنگ گاسپار دروویل همگی دسته‌گردانی‌ها و سینه‌زدن‌ها و مراسم پرشکوه عاشورا به طور مشروح

در نقاط مختلف ایران به خصوص پایتخت‌هایی نظیر شیراز یا اصفهان یا در دوره‌ی قاجار در تهران خواند و مشاهده کرد و با استعانت از تاریخ، پادشاهان و سیاست حکومت‌ها در هر زمان این تطور و تکامل را مشاهده کرد. وجود حکومت‌ها در نحوه‌ی برگزاری مجالس عزاداری خاص آل عبا فوق‌العاده مؤثر بوده است. به همین خاطر ما مشاهده می‌کنیم که اولین تجلیات عزاداری‌ها در زمان حکومت دیالمه در سال ۳۳۶ هـ. ق است با حمایت حکومت وقت برپا شده است و اینان حدود یک قرن اختیاردار کشور و سرنوشت خلفا بودند و چون شیعه مذهب بودند نه تنها موجد و مشوق عزاداری‌های حسینی شدند بلکه آن را گسترش و نضج دادند. در سال ۳۵۱ هجری قمری معزالدوله تعرض سیاسی خود را علیه خلافت آشکار ساخت و کتیبه‌هایی بر سردر مساجد بغداد بیابویخت و طی آنها معاویه و ستمگران دیگری را که بر خانواده‌ی پیامبر ستم کرده بودند، نکوهش و تقبیح کرد. سال بعد مراسم رسمی عزاداری برپا شد و جالب این که صاحب بن عباد وزیر و شاعر دربار آل بویه قصائدی در مراثی امام حسین(ع) پرداخته است. وی در قصیده‌ای می‌گوید:

خون دوستان محمد نبی جاری شد  
باران اشک‌های ما فراوان می‌ریزد  
لعنت و نکوهش بی‌شمار باد بر دشمنان او  
در گذشته و آینده  
پریشان کنید خود را  
در مصائب سختی که بر سر اولادش آمد  
پس بشنوید حدیث شهادت را  
که چگونه آب را از حسین دریغ داشتند  
و در حالی که او در کربلا مجاهد بود  
بر او بخل و ستم ورزیدند  
در زمین آتشین، سر فرزند پیغمبر را از تن جدا کردند

گزارش شدند. نخستین سفرنامه‌نویسی که از تعزیه نام برده است ویلیام فرانکلین است که در کتاب «مشاهدات سفر از بنگال به ایران» برای اولین بار به تعزیه و نحوه تعزیه‌خوانی اشاره می‌کند. این شخص در زمان سلطنت زندیه (۱۷۸۷ میلادی برابر ۱۱۶۶ شمسی) به ایران آمده و از تعزیه‌ای که در شیراز خوانده می‌شد، نام برده است.

و این خود موجب شد که من موفق شوم کتابی با نام «شیراز خاستگاه تعزیه» بنویسم و با دلائل متعددی که در کتاب آورده‌ام شهر شیراز را خاستگاه تعزیه بدانم. در آن زمان تعزیه ناقص و خام بود اما در دوره قاجاریه به حد اعلای تکامل و زیبایی و تنوع خود می‌رسد که البته موجبات زوال تعزیه و سقوط آن نیز در همین دوره فراهم می‌شود.

### شما نقش تعزیه را در تحولات اجتماعی و روان‌شناختی ایرانیان تا چه حد می‌دانید؟

اگر به دوران نضج و تکامل تعزیه از حیث وضع سیاسی ایران بنگریم مشاهده می‌کنیم که دوش به دوش ستمگری‌هایی که از ناحیه پادشاهان و حکام نسبت به مردم این سرزمین صورت می‌گیرد، تعزیه و عوامل آن رشد می‌یابند. گویی مراسم عزاداری بستری است که نه تنها عزاداری دینی را دربر دارد بلکه صدای خاموش و دردمندانه‌ی ملتی را که زیر بار فشار و ارباب و ظلم و جور و خودکامگی خم شده، به گوش می‌رساند. ملتی که ستمگرهای سبعانه را می‌بیند و قدرت نفس کشیدن ندارد. در متن عزاداری‌های مذهبی و به ویژه حوادث جالب تعزیه‌ها این ملت به صدا درمی‌آید؛ بر ظلم و جور نفرین می‌فرستد و ستمکار زمانه را محکوم می‌کند. از مظلوم حمایت می‌نماید، از حق پاسداری می‌کند و آنچه را که لازمه‌ی ادامه حیات و استمرار روح زنده و بالنده و مقاوم است در خود پرورش می‌دهد. تعزیه تا بدان حد در مسائل زمان از لحاظ اجتماعی رسوخ می‌کند که شاه و گدا را در کنار هم می‌نشانند و جالب این که حتی شاه را وادار به لعنت فرستادن بر ظالم و ستمگر و جبار می‌کند اتفاقاً این بُعد از تعزیه از جالب‌ترین و غنی‌ترین و باارزش‌ترین جنبه‌های اجتماعی آن است.

بنا به روایت گوینو در دوره‌ی پادشاهی ناصرالدین شاه در حدود سیصد محل برای تعزیه‌خوانی اعم از میدان و تکیه و حسینیه وجود داشته است. در کمتر شهر و بخش و روستایی بوده که محلی به تعزیه‌خوانی اختصاص نداشته باشد. تکایای فراوان در شهرهای بزرگ نظیر اصفهان، تبریز، شیراز، کاشان، قزوین وجود داشته و تنها جا برای حضور همگان شرکت در این مجالس بوده است. البته تعزیه‌ها از حیث ابزار کار، شعر و موسیقی و تاریخ، مذهب و از همه بالاتر انگیزه‌ی ظلم ستیزی فوق‌العاده غنی بوده‌اند. تنوع موضوعی تعزیه‌ها، تنوع ابزار کار، به کار بردن رنگ‌های بسیار زیبا در لباس‌ها و علم و کنل‌ها، استفاده از بهترین خوانندگان، توجه بسیار دقیق به رموز موسیقی آوازی ایران و نیز جنبه‌ی هنری و سرگرمی توأمان آن همه و همه موجب شده است که تعزیه را نه تنها یک نمایش سوگوارانه بلکه نمایشی چند بعدی و حیرت‌انگیز و جذاب تلقی کنند. نمایشی که هنوز هم می‌تواند خمیرمایه‌های بسیار غنی و حیرت‌انگیز و جالب هنری را در عرصه‌ی نمایش‌های جهانی دربر داشته باشد. چه، هنوز هم تعزیه آنچنان که شاید و باید شناخته نشده است.

بنابراین تعزیه در ایران همراه و همگام با تحولات اجتماعی، فکری و فرهنگی و روان‌شناختی قومی ایرانیان، ساختارها و کارکردهای ویژه و اشکال خاصی را پذیرفته است. به نظر شما تعزیه‌ها را از حیث موضوع و مضمون چگونه می‌توان دسته‌بندی کرد؟ پرداخت این تنوع موضوعی و درون مایه‌ها چگونه صورت گرفته است؟

موضوع‌های تعزیه‌های ایرانی شامل سه دسته‌اند؛ موارد مربوط به حوادث غم‌بار صحرای کربلا و مصائبی که بر خاندان پیامبر گرامی رفته و هم‌چنین سرگذشت و زندگی ائمه اطهار به ویژه سرگذشت آنان، مورد دیگر تاریخی است که گاه گوشه‌ای از تاریخ مذهبی یا غیرمذهبی را به ویژه بر مبنای قصص بیان می‌کند و سرانجام استفاده از اساطیر و سود جستن از آنها در پرداخت تعزیه. گذشته از اینها تعزیه‌های شاد است که بیشتر لعن معاندین و تمسخر آنان را دربر دارد. نکته‌ی بسیار مهم و جالب، تنوع در پرداخت آنها است با اینکه همه‌ی تعزیه‌ها ساخته و پرداخته‌ی یک یا دو نفر نیست و تعداد تعزیه‌پردازان فوق‌العاده زیاد است هرگز تکرار در موضوع یا مطالب دیده نمی‌شود.

تناقض بین تعزیه‌های واحد وجود ندارد. همه‌ی آنها روی خط مستقیم و موازی یکدیگر حرکت می‌کنند، بدون آن که با هم تلاقی کنند. البته ابزار کار و نحوه‌ی تعزیه‌خوانی با توجه به امکانات و موقعیت و وضعیت جغرافیایی و اقلیمی متفاوتند که امری طبیعی است ولی در کل از وحدتی حیرت‌انگیز از نظر قصد و غایت کار بهره‌مندند.

رابطه‌ی موسیقی و شعر با تعزیه چگونه بوده و موسیقی چه کاربردی در آن یافته است؟ اساساً موسیقی و نواها چه نقشی در تکامل آن داشته است؟

تعزیه هنری ملی و آیینی است که از تلفیق عناصر متعددی شکل گرفته و شعر و موسیقی از اساسی‌ترین ارکان آن است، اگر شعر را از تعزیه بگیرند، دیگر آن معنی و مفهوم را القاء نمی‌کند. کم و بیش دیده شده که تعزیه‌هایی به صورت نثر به اجراء درآمده است که من آنها را تعزیه نمی‌دانم، شاید نوعی نمایش خاص مذهبی تلقی شوند ولی تعزیه پنداشتن آنها درست نیست. نکته‌ی مهم دیگر در شعر تعزیه موسیقی و آهنگ آن است، زیرا بیان حالات که جز در موسیقی نمی‌تواند به نحو مطلوب منعکس شود، تنها در آهنگ‌های تعزیه‌هاست. این نظر را باید پذیرفت که بستر موسیقی در ایران تعزیه است، زیرا تنها تعزیه‌ها بوده‌اند که توانسته‌اند آهنگ‌ها و نواها و دستگاه‌ها و حتی گوشه‌های موسیقی ایران را احیاء نمایند. ما اگر تعزیه نداشتیم معلوم نیست چه نمودی موسیقی را حفظ می‌کرد. این حرفی است که استاد صبا نیز به زبان آورده و نوشته است. شما در تعزیه شادترین و غم‌انگیزترین نواها را می‌توانید بیابید.

بسیاری از تعزیه‌خوانان از بهترین خوانندگان ایران بوده‌اند، از آن گذشته در تعزیه‌خوانی مقام‌ها و نواهایی نهفته است که دارای اسامی و اصطلاحات خاص می‌باشند. جالب این است که بسیاری از تعزیه‌خوانان هنگام توضیح و تبیین و شرح شعری مکالمات، فقط از دستگاه‌ها و گوشه‌ها و اصطلاحات موسیقی نام می‌برند. زیرا هر آهنگی مقامی خاص و جایی ویژه دارد که یک تعزیه‌خوان متبحر باید آن را بداند و بشناسد. از همه بالاتر تعزیه‌خوان خوب کسی است که بیش از هر چیز دارای صدای



بیرون آورده و در خط سیر معینی آن را حرکت می‌دهند و بعد به جایگاه خود برمی‌گردانند. در حالی که گروه‌های موسیقی کر و مردمانی شمع به دست و بزرگان با لباس‌های پوشیده و کلاه‌های بلند که فقط چشم‌ها پدیدارند، آن را همراهی می‌کنند. نمونه‌های نمایش‌های مذهبی البته نه به صورت بسیار پرشکوه ولی به صورت‌های ساده نیز دیده می‌شود. ولی تعزیه خاص ایران است، پدیده‌ای سخت مذهبی و ملی که بر پایه‌ی شعائر و عقائد تشییع به وجود آمده است. از نظر ریشه‌یابی و اسطوره‌شناسی یا تعاطلی و تقاطع فرهنگ‌ها ممکن است جلوه‌هایی از آن در سایر کشورها به چشم بخورد یا تأثیراتی دانسته و نادانسته بر آن داشته باشند ولی این‌گونه تأثیر و تأثرات در خور امان نظر و توجه و دقت نیست. زیرا نمایش‌های آیینی بر مبنای شعائر مردم شیعه مذهب به وجود آمده و نضج و تکامل پذیرفته است و کم و بیش ویژگی‌های این آب و خاک در تاروپود آنها نهفته است.

در تعزیه‌هایی مانند تعزیه قاسم یا علی اکبر نشانه‌های بسیار دقیق و قابل توجه از سنت‌هایی که در مراسم عقد و عروسی در کشور ایران باب و رایج است، می‌بینید مثلاً حنابندان یا حجله‌بندان یا مراسم خداحافظی و عبور از زیر قرآن و غیره. از طرف دیگر هیچ کشوری جز مردم ایران زمین آن چنان با شعر پیوسته و وابسته نیستند که از زمان تولد تا مرگ به انواع گوناگون اشعار محلی ذهنشان درآمیخته باشد؛ از لالایی و ترانه‌های شادمانی و شادخواری و عقد و ازدواج گرفته تا ترانه‌های کار و رنج و درد دل و حدیث روزگار و بالاخره سوگ‌سرایی‌هایی که پس از مرگ در بسیاری از نقاط به وسیله‌ی زنان انجام می‌گیرد و هم‌چنین موسیقی و استفاده از ابزار واقعی و گاه تخیلی و گاه نمادین و از همه برتر غنای مواد مذهبی از یک طرف و خمیرمایه‌های هنری از سوی دیگر. از آن گذشته تعزیه در ایران ابتدا به ساکن به وجود نیامده است بلکه از عزاداری‌ها شروع شده و روضه‌خوانی بعد به دسته‌گردانی و سینه‌زنی رسیده است.

خوش باشد. موسیقی و آهنگ موسیقی روح و جان این هنر شگرف و جالب مذهبی و ملی است. درباره‌ی این که چه کسانی و چه نقش‌هایی باید از چه آهنگ‌هایی استفاده کنند آن قدر گفته شده و در مقالات و کتاب‌ها آمده که نیاز به تکرار آنها نمی‌بینم. تنها اشقیاء خوانان هستند که با صدای اشتلم می‌خوانند و باید دارای صدای قوی و خشن و تکان‌دهنده باشند. از همین رو به ویژه در زمان ناصرالدین شاه و در تکیه دولت کودکان را که صدای خوش داشتند برای تعزیه‌خوانی به کار می‌گرفتند و ضمن آموزش دستگاه‌های موسیقی را به آنها یاد می‌دادند. نه تنها در آوازخوانی دستگاه‌ها رعایت و حفظ می‌شد بلکه در نواختن طبل و کرنا نیز از همان آهنگ‌ها و نواهایی استفاده می‌شد که بیشتر در زمان جنگ‌های گذشته در برخوردها و یورش‌ها و از خواب برخاستن‌ها یا به خواب رفتن‌ها و آرامش‌ها استفاده می‌شد. ما می‌بینیم که در آهنگ‌های تعزیه گاه نوای لالایی‌ها، گاه نواهای ویژه مراسم عروسی گاه نوای عزاداری‌ها و ماتم‌ها و گاه از دستگاه‌های غنی و پرمایه به نحو کامل بهره گرفته می‌شود. بنابراین می‌توان ادعا کرد که روح و جان تعزیه در موسیقی آن است و تعزیه‌ها و عزاداری‌ها و نوحه‌خوانی‌هایی موسیقی آوازی ما را حفظ کرده‌اند.

### مراسم تعزیه‌خوانی به نحوی که در ایران وجود دارد و شناخته شده در سایر کشورها هم وجود دارد؟ اگر وجود دارد در کدام کشور و چگونه است؟

تعزیه با فرم و شکل و توضیح و تبیینی که از آن صحبت شد در هیچ جا جز در کشور ایران وجود نداشته و ندارد. اشتباه نشود، نمایش‌های مذهبی در اکثر کشورهای اروپایی وجود داشته و هنوز هم بارقه‌ها و جلوه‌هایی از آن دیده می‌شود. حتی دسته‌گردانی مذهبی در بعضی از کشورهای اروپا نظیر اسپانیا وجود دارد و در روز عید پاک، تندیس عیسی مسیح و مریم را با تشریفات و شکوه و مراسم بسیار زیبا و جالبی از کلیسا

دسته‌گردانی و شبیه‌گردانی استفاده از ابزار گوناگون گاه سمبل جنگ و ستم و خونریزی هستند و گاه پیام صلح و آشتی و مهر را دربردارند نظیر کبوترهای سپید خون‌آلودی که پرواز داده می‌شوند. بعد تعزیه به وجود آمده، که در تعزیه‌های اولیه گفت‌وگوهای ساده شعر و نثر به هم درآمیخته و با حمایت حکام و تلاش‌های صاحب‌دلان و صاحب ذوقان راه تکامل پیموده تا بدان جا که چون حماسه‌ای شورانگیز بر تارک هنر ملی این دیار جلوه‌گری کرده است. در کوچکترین بخش و روستای ایران می‌توان یاد و نمود و تأثیرات تعزیه را هنوز دید. هنوز می‌توان بسیاری از مصارع اشعار تعزیه را که به صورت ضرب‌المثل درآمده است از همه کس و همه جا شنید.

مسلم است که چنین نمودی نمی‌تواند در منطقه‌ی دیگری با چنین ویژگی‌های اقلیمی و مذهبی و ذوقی و هنری و از همه برتر پیشینه‌ی قوی فرهنگی وجود داشته باشد ولی جسته گریخته آثار و جلوه‌هایی از آن در بعضی از کشورها دیده می‌شود. در هندوستان بین مردم مسلمان شیعه مذهب تعزیه‌گردانی وجود دارد ولی تعزیه‌ای که آنها از آن نام می‌برند، بازآفرینی قبر حضرت سیدالشهدا است که بر شانه‌ها در سینه‌زنی‌های ماه محرم حمل می‌شود و آن قبرگونه ساخته و پرداخته شده‌ی قابل حمل را تعزیه می‌گویند. تعزیه‌ها در نقاط مختلف هند از نظر شکل و اندازه و تزئینات و نحوه‌ی ساخت متفاوتند به طوری که تعزیه‌های شهرهای مختلفی چون حیدرآباد را می‌توان تشخیص داد. تعزیه‌های دیگری نیز وجود دارند ضریح گونه که به صورت ثابت در امام زاده‌ها نگهداری می‌شوند. جالب این است که ضریح‌هایی که تعزیه نام دارند سوای آن‌هایی که به صورت ثابت نگهداری می‌شوند و در مراسم هر ساله مورد توجه قرار می‌گیرند پس از پایان مراسم یعنی روز اربعین به خاک سپرده می‌شوند. این تعزیه و این مراسم به یقین از طرف ایران و در زمان صفویه به آنجا رسوخ کرده است چنان که هنوز قبیله‌ی قزلباش با زبان فارسی درباری سخن می‌گویند. به گفته‌ی دکتر مرتضی هنری در بعضی از کشورهای آفریقایی به وسیله‌ی مسلمانان شیعه تعزیه‌خوانی می‌شود آن هم به زبان فارسی، البته نه به صورت و کمال تعزیه‌های ایرانی بلکه به گونه‌ای که فقط عزاداری را به نحوی درآمیخته با نمایش و حرکت دربردارند. در پاکستان نیز مقبره‌هایی ساخته می‌شود که در عزاداری‌ها با خود حمل می‌کنند و در پایان مراسم به خاک سپرده می‌شوند. جالب این که در هند دو جلوه‌ی خاص ایرانی یکی مراسم نوروزی و یکی عزاداری عاشورا کم و بیش متجلی است.

### درباره‌ی زبان تعزیه بگویید. اساساً زبان شعر در قالب تعزیه چگونه پرداخته شده و دارای چه ویژگی‌هایی است؟

زبان تعزیه زبان کاملاً شعری است. همه‌ی پرسش و پاسخ‌ها با شعر صورت می‌گیرد، ولی این زبان شعری گاه از اصالت‌ها، ورزیدگی‌ها و قوام و قدرت هنری کافی برخوردار نیستند و اگر بخواهیم آنها را از نظر شعری مورد بررسی و مطالعه قرار دهیم ممکن است نقائص فراوانی در آن ببینیم زیرا زبانی ساده، عامه‌پسند، روان و زبانی است که بیشتر به فکر القاء هدف و غایت خویش به شنونده است. اشعار تعزیه‌ها به دو دلیل یک دست نیستند یکی متن یک تعزیه از اول تا به آخر و

دیگر متن تعزیه‌های گوناگون در مقام بررسی و مقایسه. علتش این است که گاه تعزیه‌پردازان در پرداخت تعزیه از اشعار دیگران نیز سود جستند. شما گاه اشعار سعدی یا حافظ یا فردوسی را می‌توانید در متن یک تعزیه از زبان تعزیه‌خوانان بشنوید و دیگر این که جز چند تن از تعزیه‌سرایان به نام که شعرای توانایی بوده‌اند بسیاری از آنان از ذوق و قریحه فوق‌العاده برخوردار نبوده‌اند و گاه برای پرداخت یک تعزیه از اشعار بسیاری از شعرای مشهور سود می‌جستند. البته این را نباید کتمان کرد که تعزیه‌سازان و تعزیه‌پردازان از غنای کامل مذهبی و اعتقادات پاک و راسخ دینی بهره‌ور بوده‌اند و اکثر قریب به اتفاقشان به هنگام سرودن یا پرداختن یا تلفیق اشعار تعزیه با وضو و چشم‌های گریان کار را آغاز کرده و به پایان می‌رسانند.

زبان شعری تعزیه به زبان محاوره بسیار نزدیک است و تنها آهنگ و نوا و صدای خواننده‌ی تعزیه است که آن را از صورت محاوره‌ای به صورت نمایشی درمی‌آورد و به آن جذابیت و حال و توانایی خاص می‌بخشد. این زبان گاه چنان قوی می‌شود که حتی بیگانگان و کسانی را که فارسی نمی‌دانند و به رموز آن آشنایی ندارند، شدیداً تحت تأثیر قرار می‌دهد. هیچ سیاهی نبوده است که تعزیه‌خوانی را ببیند و تحت تأثیر آن قرار نگیرد. هر سفرنامه‌ای را که ورق بزنید اگر نویسنده‌ی تعزیه را دیده باشد به آسانی از آن نگذشته و به نحو حیرت‌انگیزی تحت تأثیر قرار گرفتن خود را مطرح کرده است.

آیا تعزیه تحت تأثیر تئاتر غربی بوده است؟ آیا جلوه‌هایی از این تأثیر در آن دیده می‌شود؟ چون بسیاری عقیده دارند که پس از بازگشت ناصرالدین شاه از سفر فرنگ امر بر برگزاری تعزیه صادر شد یا در زمان کریم‌خان بعضی از سفرا از نمایش‌های مذهبی اروپایی نام بردند و تحت تأثیر آن تعزیه ایجاد شد. آیا شما تعزیه را هنری مذهبی، آیینی و ایرانی می‌دانید یا تصور دیگری از آن دارید؟

اگر به دوره و زمان تحول و تکامل تعزیه در طی قرون و اعصار بنگریم، می‌بینیم که قدم به قدم تعزیه پیش رفته است و بعد از وقفه‌ای که در زمان نادرشاه در آن ایجاد شد با حمایت کریم‌خان زند که به همه‌ی هنرها و نموده‌ها عشق و علاقه ابراز می‌داشته جای پای برای خود باز کرد. به موجب نوشته‌هایی که در دسترس است، مردم شیراز در تعزیه‌ها به یاد لطفعلی خان زند مویه می‌کردند و می‌گریستند و یاد او را گرامی می‌داشتند، در حالی که ستمگر جبار و خون‌آشامی چون آغامحمدخان قدرت را در دست داشت. با اینکه ناصرالدین شاه مشوق بزرگی برای برپایی تعزیه‌خوانی بود ولی این ذوق و ابتکار و خلاقیت تعزیه‌گردانان و تعزیه‌خوانان و تعزیه‌پردازان بود که به آن اوج و اعتلاء بخشید. در تعزیه‌های تکیه دولت زمان ناصرالدین شاه از زیباترین پارچه‌ها، گران‌قیمت‌ترین اشیاء، بهترین لباس‌ها، بارزش‌ترین ابزار جنگ و گاه شمشیرهای طلا و نقره سود جسته می‌شد. ولی این شکوفایی ارتباطی به نمایش‌های غرب ندارد، زیرا از سوئی سال‌های سال بعد از انقلاب صنعتی و انقلاب‌کبیر فرانسه دیگر نام و نشانی از نمایش‌های مذهبی نبود و از سوی دیگر تا آن زمان نمایشنامه‌ای از نمایشنامه‌نویسان غرب ترجمه نشده بود، چه نخستین ترجمه که تمثیلات یا نمایشنامه‌های



تعزیه‌خوانی در تکیه دولت

میرزا فتحعلی آخوندزاده است در سال ۱۲۹۱ قمری به طبع رسید. از طرف دیگر ما در کشورهای عثمانی آن روزگار که سنی مذهب بوده‌اند حتی جلوه‌ای از عزاداری‌های پرشکوه ایرانی نمی‌بینیم. در هند و پاکستان نیز چنان‌که اشاره شد تعزیه‌خوانی وجود نداشته است و نیز در عراق. با این وصف چگونه می‌توان آن را تحت‌تأثیر غرب دانست؟ کریم‌خان زند، آنقدر نسبت به خارجیان و سفرای آنان حساسیت داشته که خارج از حد تصور است. چگونه چنین پادشاهی می‌نشیند و حرف اینان را گوش می‌دهد و بی‌درنگ دستور انجام آن را می‌دهد؟

در جایی می‌گوید آنها بسیار نیرنگ‌بازند و اگر بر ایران مسلط شوند اسلام را برمی‌اندازند و از بزرگان کسی را زنده نمی‌گذارند و استدلالش هم این بوده که آنها هند را با زیرکی و فرزاندگی گرفته‌اند نه زور و مردانگی.

تعزیه هنری آیینی و ملی است که در زوایای متن و اجرای آن شما می‌توانید مایه‌های بسیار غنی هنری و اساطیری و فرهنگی و به ویژه فرهنگ قومی را باز یابید.

**در مورد تعداد تعزیه‌ها و اینکه کدام یک از آنها قابل شناسایی است، توضیح بفرمایید.**

تعداد تعزیه‌هایی که من شناختم و در کتاب «تعزیه در ایران» به آن پرداخته‌ام در حدود دویست تا است. در کتاب مذکور یک یک آنها فهرست‌وار و به ترتیب حروف الفبا معرفی شده‌اند. این کتاب شاید تنها منبعی است که این بخش را تا بدین حد مورد توجه قرار داده است و البته این دویست تعزیه شامل تعزیه‌های کامل است و گاه گوشه‌هایی نیز وجود دارد.

کتاب «تعزیه در ایران» از منابع معتبر فارسی در زمینه‌ی شناخت تعزیه است و در کشورهای دیگر نیز بازتاب گسترده‌ای داشته است. شما در چاپ دوم تغییراتی در آن داده و نکاتی به آن افزوده یا کاسته‌اید. اساساً

انگیزه‌ی چاپ دوم چه بوده است؟

مسلم است انگیزه‌ی من کمال بخشیدن به آن، رفع نقائص و کاستی‌ها و روی هم رفته غنای بیشتر آن بوده است. یادداشت‌های فراوانی فراچنگ آورده بودم که در چاپ دوم مورد استفاده قرار دادم و عناوین جدیدی بر آن افزودم. بسیاری از موارد فصل‌های مفصل را با چند موضوع از هم تفکیک کردم. به طور خلاصه این عناوین به آن افزوده شده است، «سیر تحول نمایش‌های مذهبی در اروپا»، «فقه‌ها و تعزیه‌خوانی»، «تکیه دولت و تعزیه»، «تعزیه در کشورهای همجوار»، «رواج و زوال تعزیه و پدیدار شدن انواع تعزیه»، «مرثیه‌سرایان و شعر فارسی»، «ریشه ساخت و پرداخت و وجه ممیز تعزیه» و عناوین دیگر.

بسیاری از مطالب متن نظیر «یادگار زربران» به زیرنویس برده شده و بر تعداد تعزیه‌ها و اسامی تعزیه‌ها و ابزار، مطالب بسیاری افزوده شده است.

**ارزیابی شما نسبت به کوشش‌های خارجیان در زمینه‌ی شناسایی تعزیه و معرفی و ترجمه‌ی آن به جهانیان چیست؟**

ببینید پیش از آنکه ما به ارزش و اهمیت تعزیه‌ها پی ببریم و در حفظ و نگهداری متون آنها و نحوه‌ی پربار اجرای سرشار از جوهر اصالت و پاکی آنها بکوشیم یا آنها را معرفی کنیم خارجیان آن را شناختند و در برابر ارزش‌های آن به تأمل ایستادند.

پیش از همه کنت گوپینو در کتاب «دین‌ها و فلسفه‌ها در آسیای مرکزی برای اولین بار از تعزیه‌های ایرانی سخن گفته است و فصلی بسیار جامع به آن اختصاص داده است و با زیبایی و جذابیت خاص تعزیه‌هایی را که دیده و از آنها لذت برده و استفاده کرده، شرح داده است. وی تعزیه را با تراژدی‌ها و مصیبت‌نامه‌های یونان قدیم مقایسه کرده و حقایق بسیاری درباره‌ی آنها نگاشته و گاه آن را از تراژدی‌های قدیم یونانی برتر و والاتر به حساب آورده است و گوشه‌هایی از تعزیه‌ها

### بین آنها قائل هستید؟

از اینکه ریشه و اساس تعزیه در فرهنگ مردم است جای هیچ گونه شک و تردیدی نیست ولی مسأله این است که تعزیه یک پدیده‌ی مجرد نیست که بتوان نسبت به آن قضاوتی این گونه شتابزده کرد. زیرا عوامل متعددی در ترکیب و ایجاد تعزیه مؤثرند که بسیاری از آنها خمیرمایه‌ی مردمی صرف دارند و از ریشه‌های مذهبی مایه گرفته و دارای ریشه‌های عمیق تاریخی و اسطوره‌ای و عقیدتی‌اند بالاخص که موسیقی آن از موسیقی بسیار متعالی و درخشان ایرانی بهره‌ور است. می‌دانید موسیقی ما با فرهنگی خاص اساس و شالوده‌هایی استوار دارد. بگذریم از اینکه تاکنون نه شناخته شده و نه به جهانیان شناسانده شده و نه اثر بزرگی به جامعه‌ی هنر موسیقی جهانی عرضه داشته ولی هر چه هست راه به موسیقی ایران قبل از اسلام در دربار ساسانیان و باربد و نکیسا دارد و از سویی با جان و دل هر ایرانی اعم از شهری و روستایی و عشایری پیوند برقرار کرده است. هم‌چنین بزرگان موسیقی ما جز به آهنگ‌هایی که در تعزیه مانده بوده به چیز دیگری دسترسی ندارند. بنابراین نمی‌توان تعزیه را نمودی از نمودهای فرهنگ مردمی ایران دانست ولی با آن هم نه تنها بیگانه نیست بلکه در کنار سایر پدیده‌های اجتماعی قرار دارد، پدیده‌هایی که در هر جامعه‌ای و در هر گوشه از جهان و ویژه‌ی مردم هر دیاری وجود دارد. ولی عناصر هنری آن و اشعارش را باید با دیدی دیگر و ترازویی دیگر سنجید و ارزیابی کرد و در اینجاست که کار کمی مشکل می‌شود. چه عواملی موجب رشد و گسترش و نضج تعزیه بوده و چه عواملی اضمحلال آن را در پی داشته است؟ به نظر شما با تعزیه چه باید کرد؟ آیا باید آن را مورد توجه قرار داد یا نه؟ و اگر جواب آری است چگونه؟ برای استفاده بهتر از آن در دنیای معاصر به چه نحو باید از آن سود جست؟

و عوامل و اجزای آنها را تعریف و گاه تحلیل کرده است. بعد از او باید از ویلمس نام برد، که از تعزیه‌های داستانی، اسطوره‌ای و تاریخی نظیر آدم و حوا و هابیل و قابیل و هاجر و اسماعیل نام برده است.

ادوارد براون نیز تعزیه را ستوده و صراحتاً نوشته است که در تعزیه‌ها هیچ اثری از تأثرهای اروپایی به چشم نمی‌خورد. در سال ۱۲۱۷ شمسی الکساندر خوچکوی سی و سه تعزیه ایرانی را که در دفتری موسوم به «جنگ شهادت» گردآوری شده بوده، از حسینعلی خان کمال خریداری کرد. وی مدعی بود که این تعزیه‌ها متعلق به فتحعلی‌شاه بوده و پس از مرگ او به دستش رسیده است. این تعزیه‌ها به وسیله خوچکوی و شارل ویللو و روبیر هانزی دوژنر ترجمه و به چاپ رسیده است. در کتاب «جنگ شهادت» به اهتمام زهرا اقبال توضیح داده شده که اصل کتاب در ژانویه ۱۸۷۸ به کتابخانه ملی پاریس داده شده است. بعد از خوچکوی، برزین مؤلف کتاب «مسافرت در ایران شمالی» گزارشی جالب از تعزیه‌های دوره‌ی محمدشاه داده است. سرلویس پلی نیز ۲۷ مجلس تعزیه را ترجمه کرده و مدعی است که هیچ تراژدی برتر از آنها وجود ندارد.

ماتیو آرنولد نیز توجهی در خور به نمایش‌های مذهبی ایران کرده است. دو دانشمند شوروی سابق به نام برتلس و کریمسکی نیز کارهای ثمربخشی در مورد تعزیه‌های ایرانی کرده‌اند. از پروفیسور چلکوکوسکی که از ایران‌شناسان بنام آمریکاست نیز باید یاد کرد که کتب و مقالات بسیار بالارزشی را در زمینه‌ی تعزیه منتشر کرده است. او لهستانی الاصل است و فارغ التحصیل مطالعات شرقی و آفریقای لندن می‌باشد. وی تأثر و تأثرشناسی و ادبیات اسلامی را در دانشگاه نیویورک تدریس کرده و سال‌ها در ایران بوده و خود نقش فرنگی در تعزیه‌ها بازی کرده است. او دیدی بسیار جالب توجه نسبت به تعزیه و ویژگی‌های آن دارد و معتقد است که تعزیه هنوز شناخته نشده و جهان غرب باید برای رهایی از بن بست تأثر به شیوه‌ها و مایه‌های تعزیه متوسل شود. کتاب «تعزیه، درام مذهبی ایران» که شامل ۱۸ مقاله از ۱۸ نفر ایرانی و خارجی درباره‌ی تعزیه است و به وسیله‌ی دانشگاه نیویورک به چاپ رسیده از تألیفات ایشان است که آقای حاتمی آن را به فارسی برگردانده است. هم‌چنین باید از پروفیسور پیه مونتسه که رایزن فرهنگی سفارت ایتالیا در ایران بود نام برد که کوشش‌های ثمربخشی در این مورد کرده و کتابشناسی و مقاله‌شناسی جالبی در مورد تعزیه از نویسندگان و محققان ایتالیایی نگاشته و خود نیز مقالاتی به رشته‌ی تحریر درآورده است. محمد عزیزه تونسلی نیز کتابی با نام «تأثر در اسلام» نوشته که در سال ۱۹۷۱ چاپ شده است. وی با کمک علی هانیبال ۱۰۵۵ تعزیه را گردآورده و به کتابخانه‌ی واتیکان تقدیم داشته که دو دانشمند دیگر ایتالیایی به نام‌های اتور روسی و آلسیو بومباچی آنها را فهرست کرده‌اند. البته بسیاری نیز هستند که در گوشه و کنار دانشگاه‌های جهان کم و بیش تعزیه را مورد تحقیق قرار داده‌اند و مقالات سودمند و بالارزشی نوشته‌اند.

شما در زمینه‌ی فرهنگ مردم نیز دارای آثاری نظیر «فرهنگ مردم سروستان» و «یک‌هزار و چهارصد ترانه محلی»، «افسانه‌های ایرانی» هستید. نظرتان در مورد ارتباط فرهنگ عامه با تعزیه و تعزیه‌خوانی چیست؟ آیا هر دو را از یک مقوله می‌دانید یا تفاوت‌هایی





عقل گسترش و تکامل آن را باید در عوامل بسیاری در تاریخ ایران و وضعیت اجتماعی و روحی ایرانیان در دوره حرکت‌های آغازین و بعد قدم به قدم آن جست‌وجو کرد. ریشه‌ی مذهبی تعزیه و نمایش آیینی آن و بهره‌وری از امکانات و ارزش‌های فرهنگی جامعه نظیر موسیقی، شعر و جنبه‌ی داستان‌پردازی آن، پناه بردن مردم به آن که چنان پناهگاهی در کوه‌های سرشار از برف و طوفان و انجماد است، آسان و راحت بر پای داشتن آن در هر محیطی و ارتباط نزدیک مردم با تعزیه‌خوانان و تاریخ مذهب از عوامل مؤثر گسترش آن بوده است. البته نقش حکومت در تقویت، ایجاد و توسعه آن را نمی‌توان نادیده گرفت هر چند خود گاه بذر اضمحلال آن را پاشیده است. در دوران قاجاریه توجه فوق‌العاده به تعزیه از طرف ناصرالدین شاه و دربارش سبب انحرافی در آن شد به نحوی که تعزیه از آن زبان ساده و حرکات صمیمی و مایه‌های ذاتی هنری فاصله گرفت و آنقدر زر و زیور به آن آویختند که در زیر زر و زیورها و آرایه‌های غیرطبیعی و گاه غیرضروری از پا درآمد و این زر و زیورها نه تنها در ظاهر بلکه بر متن تعزیه نیز اثر گذاشت. حتی مضامین و موضوعات تعزیه راه انحراف در پیش گرفت و تعزیه‌های ظاهراً شاد موجب اهانت‌هایی به مقدسین دینی شد و عامه مردم متدین از آن روی گرداندند. از آن بدتر اینکه تعزیه‌گردانان می‌کوشیدند تعزیه را باب طبع ارباب به اجرا درآورند و کاری صورت دهند که شاه و درباریان را خوش آید و مورد مرحمت و مکرمت بیشتر قرار گیرند. مثلاً کار را به جایی رساندند که دربارهی کشته شدن ناصرالدین شاه نیز تعزیه پرداختند و اجرا کردند و با این کارها و سبکسری‌ها تعزیه که هنری ملی و آیینی و سخت مورد توجه و ریشه‌دار بود، از اصالت ذاتی و پیام نهفته در خود به دور افتاد و چیزی شد که همه چیز بود جز تعزیه.

در زمان حکومت رضا شاه تعزیه به کلی مضمحل شد و براساس مسائلی سیاسی اجرای آن را در خور مجازات دانستند و از امور کيفری و خلاف شمردند و بساط تعزیه در اثر شرایط نامساعد جمع شد و از شهرها به بخش‌ها و از بخش‌ها به روستاها پناه برد. گروه‌های تعزیه‌خوان عازم نقاط دور از شهر می‌شدند تا آن را اجرا کنند و به هر حال آن حال و هوا و ویژگی‌ها کم‌کم از میان رفت. حال برای گسترش و توجه به آن باید تعزیه‌خوانانی را که هنوز در هر شهری وجود دارند مورد حمایت قرار داد و آنها را تشویق به اجرای تعزیه کرد و تعزیه و تعزیه‌خوانی را چون گلشنی پاسداری نمود و بعد از نگهداری به اصلاح آن پرداخت همان گونه که در مورد گل‌ها و گیاهان عمل می‌شود.

یک‌یک پدیده‌ها و ویژگی‌های آن باید مد نظر قرار گیرد زیرا غنای هنری تعزیه کم نیست و همان طور که پروفیسور چلکووسکی می‌گوید هنوز تا شناخت همه‌ی راز و رمزهای این نمایش آیینی و ملی راه درازی در پیش است. هنوز هم به وضوح مشاهده می‌شود که هر جا تعزیه‌خوانی به راه می‌افتد موج جمعیت آنجا را فرا می‌گیرد و خاص و عام را به‌سوی خود می‌کشد. این را هم باید اضافه کرد نمایش‌هایی که جنبه‌ی دینی و قدسی داشته باشند، اعم از روی صحنه تأثر یا در میان میدان یا در سالن‌های مجلل مورد توجه قرار می‌گیرند و این رمزی دراز است که در ذات آنها نهفته است و تعزیه از این حیث از غنای بی‌نهایت بهره‌ور است.



**ساختن موسیقی بر روی کامپیوتر**  
**راب بیتی**  
**ترجمه‌ی بیژن معصوم**  
**آیین تربیت، نشر**  
**سنبله، ۱۳۸۶**

کتاب حاضر که ترجمه‌ی Composing Music on Your Pc است مباحثی چون ساخت موسیقی فوری، معرفی نرم‌افزار eJay ساخت موسیقی، ساخت موسیقی پیشرفته، میکس کردن، جلوه‌های ویژه و فرهنگ اصطلاحات را دربر گرفته است.

کتاب را که می‌توان راهنمایی ساده و روان برای ایجاد موسیقی بر روی کامپیوترهای خانگی دانست، به توانایی‌ها و امکانات برنامه‌های به نام eJay می‌پردازد. این برنامه علاوه بر تهیه‌ی نرم‌افزاری برای پخش موسیقی، دربرگیرنده‌ی قسمت‌های ضبط شده موسیقی با کیفیت مناسب است که نمونه نامیده می‌شوند. این نمونه‌ها با آلات موسیقی واقعی و خوانندگان حرفه‌ای ایجاد شده‌اند.

در این کتاب هم‌چنین چگونگی اضافه کردن صداها، افکت‌های استودیویی خاص، ایجاد موسیقی برای تصاویر متحرک و ذخیره‌سازی توزیع قطعات کامل شده آموزش داده می‌شود.

فصل‌های کتاب از روش قدم به قدم بهره‌برده‌اند و در هر مرحله تصاویری برای مشاهده آنچه بر روی صفحه‌ی نمایش دیده خواهید شد، ارائه گردیده است. تصاویر به صورت تمام یا بخشی از صفحه که مهم‌تر است، نشان داده می‌شوند.

هم‌چنین نویسنده تلاش می‌کند این برنامه به گونه‌ای نمایش داده شود که اجزاء مهم آن قابل مشاهده باشند. از طرف دیگر، محل کلیدها و نوار ابزار در بالای صحنه نیز ارائه گردیده تا درک مطالب بهتر انجام گیرد.

کلیدهای دستوری مثل Enter و Ctrl به نحوی بیان شده‌اند تا احياناً آنها را با مواردی که لازم است مثلاً کلیدی را بر روی صحنه صفحه کلید فشار داده یا کلمه Ctrl را تایپ کنید، اشتباه گرفته نشود.

غیر از بخش‌های قدم به قدم، کادراهایی نیز وجود دارد که مطالب خاصی را به شکل دقیق‌تر توضیح می‌دهد یا نکات یا راه‌های دیگری را برای شما بیان می‌کند. هم‌چنین فهرست و توضیح اصطلاحات رایج نیز در پایان ارائه گردیده است.